

بسم الله الرحمن الرحيم

برای دانلود متن درس [کلیک کنید](#)

ما گفتیم برای اجزا نزدیک به 10 دلیل وجود دارد؛ اما ما به 6 دلیل اکتفا کردیم و این 6 دلیل را برای سرنوشت بحث کافی دانستیم.

در درس امروز ما دو کار را باید انجام دهیم:

1. ادله اجزا را نقد کنیم. 2. ادله عدم اجزا را مطرح کنیم. البته ما این کار را جداگانه نمی کنیم چون طبیعتا اگر ادله اجزا نقد شود ادله عدم اجزا خواهد آمد. ما این دو را ذیل یک عنوان مطرح می کنیم. البته نمی خواهم بگویم ادله عدم اجزا فقط با نقد ادله اجزا صورت می گیرد؛ ممکن است بگوییم اصل، عدم اجزاست این اصل، ربطی به نقد ادله اجزا ندارد. نظم بحث اقتضا دارد که ما به ترتیب جلسه قبل نقد را آغاز کنیم.

بیان دلیل اول بر اجزا: دلیل اول این بود که اماره دوم مزیتی بر اماره اول ندارد چرا می گوئید به اماره دوم عمل کن؟ چه دلیلی دارد بگوییم عمل گذشته را طبق اماره جدید قضا کن و... ما در جلسه سابق گفتیم: چه بسا اماره اول قوی تر هم باشد مثلا شخص، از فقیهی بسیار قوی تقلید می کرده بعد به زنده رجوع می کند و فقیه زنده ضعیف تر از مجتهد میت است اما قائل است از مجتهد مرده نمی شود تقلید کرد. در اینجا که اماره اول قوی تر هم هست. یا اگر نظر مجتهد تغییر کرد معلوم نیست که نظر دومش درست باشد چه بسا نظر اولش درست باشد.

پاسخ: من تعجب می کنم که چرا برخی از بزرگان این دلیل را ذکر کرده اند! اماره اول با آمدن اماره دوم مضمحل شده است کشف خلاف شده است از این رو اماره دوم مزیت دارد. اماره دوم الان حجت است اما اماره اول حجت نیست.

نکته مهم و روشی: فقه ما بر اساس اطمینان به حالات مکلف نیست. اطمینان، قرار و ... در فقه ما اعتباری ندارد بلکه فقه ما بر پایه منجزیت و عذر است ما به دنبال این نیستیم که ببینیم فتوای چه کسی برای ما اطمینان بیشتر دارد. اگر دو نفر بگویند زید اعلم است دو نفر دیگر بگویند عمرو اعلم است؛ حرف دو نفری که می گویند زید اعلم است اطمینان بخش تر است ولی نمی شود گفت که به حرف دو نفری که می گویند زید اعلم است باید تکیه کرد چون ما در فقه با درجه اطمینان کار نداریم بلکه با حجیت کار داریم؛ فقه ما حجیت محور است. البته علم عرفی چیز دیگری است که ما الان منظورمان نیست.

ما در بحث های فقه فردی به دنبال حجت هستیم؛ اگر کشف واقع شد بهتر، اگر نشد عذر است. هیچ گاه نمی گویند از مجتهدی تقلید کن که برای شما فتوایش گمان بیشتری می آورد ولو غیر اعلم باشد. همیشه می گویند از اعلم تقلید کن بنا عقلا نیز می گوید از اعلم تقلید کن (همیشه هم اینگونه نیست که انسان از فتوای اعلم اطمینان بیشتری به دست بیاورد)

امروزه می گویند فقه تمدن ساز یا فقه تمدنی، فقه برنامه ریز برای دنیا و... این فقه ها نمی تواند براساس فقه عذر باشد نمی توان نظام اقتصادی، نظام بانکداری، نظام سیاسی و... با اصول عملیه درست کرد. البته برخی ها ماشالله می گویند می شود مشکلات را با اصول عملیه حل کرد! البته محل بحث ما در فقه تمدنی نیست ما در فقه فردی بحث می کنیم لذا می گوئیم گمان بیشتر، اثری ندارد.

ضیق (به اعتبار حرف دیگران) – او قد یضیق (به اعتبار حرف خودمان) – علی اول الوجوه الماضیه (لا مزیه...) بأن المفروض اقوایة الحجة الثانية من السابقة باضمحلال الاولى. و بعبارة اخرى: ان ملاک الاعتبار و الحجية ليست اقوایة الكشف و اعطاء حالات نفسية مختلفة للمكلف حتى قد يقال ان لا مزية للتانية على الاولى بل قد تكون للاولى مزية على الثانية بل العبرة بالحجية الفعلية و لا ريب في ان الثانية معتبرة و الاولى غيرها.

آقای بروجردی کتابی به نام «الحجة فی الفقه» دارند که مرحوم دکتر مهدی حائری تقریر کرده اند و مقصود این کتاب، همان فقه حجیت محور(عذر) است.

در کتاب روش شناسی اجتهاد ما اسم فقه حجیت محور را فقه عذر گذاشتیم.

اگر دو خبر تعارض کردند آیا شما می گوئید من به این خبر گمان بیشتر دارم پس اخذ کنم و... چکار به گمان دارید. هر دو دلیل در نزد شما معتبر هستند.

البته در فقه های نظام ساز اطمینان و گمان بیشتر تاثیر دارد.

فقه کشف با فقه عذر فرق دارند در فقه کشف چه بسا اماره ای که واقع نامتر است مقدم شود.

بیان دلیل دوم: هر اماره ای به درد زمان خودش می خورد شما اماره ای داشته اید که 20 سال به آن عمل کرده اید مثلاً با اماره اول نماز خواندید وضو گرفتید حج رفتید و... بعد از 20 سال مجتهد از دنیا رفت و فتوای مجتهد زنده مخالف نظر مجتهد اول است. در اینجا چه باید کرد؟ آیا اماره دوم از حالا به بعد حجت است یا نسبت به اعمال گذشته هم راه دارد؟ دومی نمی تواند اعمال سابقه را مخدوش کند. به بیان حقوقی روز می شود اینگونه گفت: در مجامع قانونی، قانون عطف به ما سبق نمی شود یعنی از حالا به بعد را شامل می شود اگر قانون این بوده که شخص مالیات به واردات خودرو ندهد 20 سال هم شخص مالیات پرداخت نکرد. بعد گفتند واردات خودرو مالیات دارد و... قانون عطف به ما سبق نمی شود و نمی شود از چنین شخص مالیات ماشین های که از قبل(قبل قانون وضع مالیات برای وارد کردن خودرو) وارد کرده را گرفت.

پاسخ: آیا امارات زمان بردار است مثلاً اگر مجتهدی قبلی می گفت بعد از حمد سوره واجب نیست مجتهد الان می گوید بعد از حمد، سوره واجب است و... آیا می گوید از حالا به بعد واجب است؟ یا به عنوان واقع دارد بیان می کند. اماره به نحو قضیه حقیقه است و زمان بردار نیست. اماره هر زمان بیاید شامل گذشته هم می شود. در این صورت، اماره الان شامل گذشته هم می شود. اگر دلیلی بر اجزا دارید بیاورید و الا اماره شامل همه زمان ها می شود. البته این مطلب که ما می گوئیم را همه قبول ندارند.

عبارت برگه: و فی الردّ علی الوجه الثانی قد یقال: ان ما ذکر وجها ثانيا لاثبات الاجزاء اول الکلام و الامارات فی دلالتها علی اثبات حکم او نفيه لیست تابعة للزمان؛ فاذا دلّت اماره علی وجوب السورة بعد الحمد فی اولی الصلاة دلّت علی ان الاعتبار کان کذا من دون ان تنفک دلالتها باعتبار الزمان فشملت الآتی دون الماضي! و علی فرض التنزل و القبول فی بعض الافتراضات و حسب رأی بعض المحققین فلا نسلّمه علی وجه الاطلاق.

فقیه سترگی مثل محقق حکیم ذیل مساله 53 عروه الوثقی، راجع به جایی که مجتهد اول می میرد و مجتهد دوم سر کار می آید و بحث پیش می آید که آیا عدول واجب است(ما واجب می دانستیم) یا جایز است و یا جایز نیست(اگر اولی اعلم باشد جایز نیست) می فرماید: فتوای مجتهد دوم از حالا به بعد را شامل می شود اما ممکن است بگوئیم گذشته را شامل نمی شود چون اعتبار نظر مجتهد یا اجماع است یا دوران بین اصالة التعیین و التخییر(به این معنا که من اگر از دومی تقلید کنم خیالم راحت است اما اگر از مجتهد مرده تقلید کنم شاید قبول باشد شاید نباشد) آقای حکیم هم در دوران قائل به تعیین است. لذا می فرماید از حالا به بعد به سراغ دومی باید رفت و اعمال گذشته را خراب نمی کند چون اجماع دلیل لبی است و قدر متیقن دارد و قدر متیقن هم از حالا به بعد است نه گذشته.

استاد: اینکه معروف شده دلیل عقل، اجماع، بنا عقلا دلیل لبی هستند و باید قدر متیقن گیری شود را ما قبول نداریم ما می گوئیم گاهی می شود دلیل را واکاوی یا پیشینه کاوی و پسینه کاوی کرد. لذا به سراغ قدر متیقن نمی رویم.

آقای حکیم بزرگوار، کجا ما اجماع داریم؟ در دوران بین تعیین و تخییر ما استصحاب را قبول نداریم. البته در این مورد ما هم احتیاط را قبول داریم. اماره دوم به نظر شامل گذشته هم می شود.

بیان دلیل سوم اجزا: حجیت اماره دائر مدار وصول است و تا اماره ای واصل نشود حجت نیست. اماره دوم فرض کنید از دیروز واصل شده است و اماره اول از 20 سال پیش، اماره دومن هر زمان واصل شد ما می پذیریم اما اماره اول تا زمان وصول اماره دوم برای ما معتبر است.

پاسخ: اماره دوم درست است از دیروز واصل شده است اما ارزشش برای عمل، زمان بردار نیست و من باید عملم را طبق این اماره انجام دهم؛ کارایی اماره که برای امروز نیست بلکه از سنخ قضایای حقیقه است. (قضایای حقیقه که می گوئیم طبق

اصطلاح اصولیین می گوئیم اما طبق اصطلاح منطقیین، قضایای شرعی همیشه خارجییه است) لذا در برگه نوشته ام حَسَبِ
مصطلح الاصول.

مرحوم مطهری در شرح منظومه این مطلب را بیان می کنند اگر علاقه دارید دنبال کنید. دلیل 4 و 5 و 6 ماند برای جلسه
آینده انشالله دلیل 4 را پیش مطالعه دقیق کنید.

الحمد لله رب العالمین